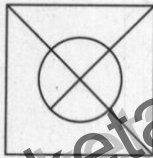


۱۹۰۰۲۵۸

عبدالحسین زین کوب

پایاداد کلام

www.ketab.ir



www.ketab.ir

سرشناسه: زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۰۱-۱۳۷۸.

عنوان و نام پدیدآور: بامداد اسلام [کتاب]: داستان آغاز اسلام و

انتشار آن تا پایان دولت اموی/تألیف عبدالحسین زرین کوب.

مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۹.

شابک: ۹۷۸-۹۶۳-۰۰۰-۰۱۲۰-۲

یادداشت: چاپ بیست و ششم؛ ۱۴۰۳.

رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۹۴ب۴:BP۱۴

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۳۱۳۸۶

بایداد کلام

داستان آغاز اسلام و انتشار آن تا پایان دولت اموی

عبدالحسین زرین کوب

چاپ بیست و ششم، ۱۴۵۳، ۱۰۰۰ نسخه

طراح جلد: سید احسان حسینی

ویرایش: مهدیه ساوجی

چاپ و صحافی: باقری

دفتر مرکزی: تهران، ضلع جنوب شرقی چهارراه
مخبرالدوله، پلاک ۲

شماره تماس: ۰۲۱-۳۳۹۰۰۷۵۱

کد پستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸



همه حقوق مادی و معنوی این کتاب برای
مؤسسه انتشارات امیرکبیر محفوظ است.

amirkabir.ir

مقدمه ناشر

داستانی از ماجرای بامداد اسلام از پیدایش و توسعه شگفت‌انگیز این دین بزرگ که در روشنی تاریخ به وجود آمد، چیزی بود که دو سال پیش از این برادر جوانم به جد و اصرار از من درخواست. برادر از دست افتخار خلیل زین‌کوب که شور و ذوق شاعرانه او در گذشته‌های دور و در آن روزگاران، عظمت و هیجانی می‌یافت بزرگ و وزای توصیف. آنچه من در آن هنگام، دو سالی بیشتر به خاطر او، به خاطر شوق و اصرار بی‌پایان او آغاز کردم طرح چنین داستانی بود: داستان مردی حماسه‌آفرین، که به هنگام خویش برخاست و یک‌تنه دنیایی را تکان داد، اما به اندک روزی پس از او، حماسه‌اش در یک تراژدی پایان یافت؛ جاهلیت عرب که مرد حماسه‌آفرین آن را خرد کرده بود در شکل خلافت اموی باز قوت گرفت و حماسه بزرگ اسلام را به یک فاجعه کشانید. بدین‌گونه، ماجرای بامداد اسلام ترکیبی شد از یک حماسه و یک تراژدی. در بیان داستانی چنین جاندار، چنین گونه‌گون، و چنین دور و دراز که برادرم از من طلب می‌کرد کوشیده‌ام تا آنجا که در طاق‌دارم از هرگونه میل و هوا برکنار بمانم، جز بر اسناد کهن تکیه نکنم و جز از روایات روشن چیزی نیاورم. از آنکه تاریخ نه جای تعصب است. باین‌همه، جای سخن از درد و شوری انسانی خالی نماند، نه آخر به شور و درد کسی پاسخ می‌داد که این کتاب آفریده شور و درد او بود؟ آری کسی که این داستان به جذبه شوق او در وجود آمد دو سال پیش کار دانشجویی خویش را آغاز کرده بود، که برای ابد ناتمام ماند. در خاطر او در آن ایام درباره این گذشته‌های دور و دراز اسلام پرسش‌ها بود، بسیار، پراز ابهام و شگفتی. اما اگر فرصت نیافت که این داستان را تا به آخر

فروخواند، امید است همسالانش که مثل او زندگی‌شان معجون‌ی از حماسه و تراژدی حماسهٔ رنج و تراژدی یأس، به نظر می‌رسد در این داستان انسانی نفعه‌ای بیابند از آن امید که شادی می‌بخشد و راحت می‌افزاید. شاید این داستان زیاده کوتاه است، اما چه باک، تاریخ یک بامداد بیشتر نیست. نه آخر داستان آن کس نیز که این کتاب از جذبهٔ شوق او الهام یافت، کوتاه بود، کوتاه و دردناک؟

عبدالحسین زرین کوب

اردیبهشت ۱۳۴۶